



فصلنامه علمی فرهنگی انجمن
اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهراء (س)

فصلنامه تابستان ۱۴۰۲
شماره ۲۱، ۲۴ صفحه



حوا



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

حوا اولین فصلنامه علمی- فرهنگی دانشگاه الزهراء(س) در حوزه‌ی زنان و خانواده

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهراء(س)
عضو اتحادیه انجمن‌های اسلامی دفتر تحکیم وحدت

مدیر مسئول: نرگس عابدینی

سرپرست: نرگس عابدینی

هیئت تحریریه: هدیه گیاه‌تازه، حنا حاجی‌زاده، نرگس خطیب
دماوندی، فاطمه خلیلی‌یگانه، فاطمه کمالی‌خواه، الهام آقابابایی

ویراستار: زهرا محمدی

صفحه آرا و طراح جلد: زهرا جعفری

باتشکر از سرکار خانم نعمتی که ما را در انتشار این شماره از
نشریه، همراهی کردند.

شماره تماس: ۰۹۱۰۳۷۳۶۴۲۵



@hava_mag

@anjomanalzahra



@havamag

@anjoman_eslami_alzahra

فهرست:

سفن سردبیر ۱۴

سرویس جامعه شناسی

پاپیون سگم کجاست؟! ۶

سرویس روان شناسی

نفش زنانه را تقلیل می‌دهید؟! ۹

در کشاکش دهر ۱۰

سرویس فرهنگی- هنری

اول ساختار بعد لایحه ۱۳

ستاره‌های دنباله‌دار ۱۴

سرویس فیزیولوژی

امید به زندگی ۱۷

سرویس فقهی- حقوقی

عروسی نیمه‌شب بازی ۱۹

آزادی به سبک غربی ۲۲



سخن سردبیر باتلاق بحران

نرگس عابدینی
کارشناسی مطالعات خانواده

در تداوم تنها نشریه فعال در دانشگاه الزهرا در عرصه تخصصی و علمی حوزه زنان برای ورود به سومین دهه انتشار نشریه حوا که در طی شش سال گذشته بررسی موضوعات گوناگون را در کارنامه خود ثبت کرده است، بر آن بودیم تا به برخی از چالش‌هایی که امروزه به بهانه مدرنیته و روشنفکری، همانند باتلاقی که قربانی‌اش را آرام آرام به گل می‌نشاند و نابودش می‌کند بپردازیم تا پیرامون مسائلی حائز اهمیت در حوزه زنان و خانواده، در حد بضاعت آگاهی ایجاد شود؛ زیرا در ظاهر این موارد که شوربختانه با خودباختگی فرهنگی و مروج گشتن فرهنگ غربی و ضد دیانت، عامه‌پسند گشته‌اند مواردی جذاب و سرگرم‌کننده به‌شمار می‌روند؛ لکن در حقیقت و در بطن خود چیزی جز تباهی و ریشه‌کن کردن خانواده را به دنبال نخواهند داشت من جمله این معضلات که شامل آسیب‌های جسمانی و روانی، پوچ‌گرایی در هویت، عدم رعایت ابتدایی‌ترین حقوق مانند احترام به اعتقادات دینی و مذهبی و کرامت انسانی و سواستفاده از مسائل زنان در امور سیاسی و انگیزه‌های سرمایه‌داری است؛ می‌توان اشاره نمود.

با امید به آن که شاهد آن باشیم که به‌صورت جهانی بازنگری صحیح و مطابق با فطرت حقیقی انسان‌ها و جایگاه زنان چه در عرصه خانواده و چه در عرصه عام‌تر یعنی جامعه صورت گیرد و نوع نگرش افراد به زنان و دختران محدود به بعد جنسی ایشان نباشد.



سرورپس جامعه شناسی

پایون سگم کجاست!؟

به فرزندخواندگی گرفتن حیوانات (جایگزین پوچ خانواده)

فاطمه کمالی خواه
کارشناسی مهندسی مکانیک



قسمت‌های مهمی از فرهنگ اصالت‌مند و جامع خود را جا بگذاریم و شالوده‌ای بدتر کیب از فرهنگ ایرانی-غربی تشکیل بدهیم (این درحالی است که لازم بود آن‌چه از فرهنگ غرب مغایر با فرهنگ اصیل ما بود را کنار گذاشته و صرفاً آن‌چه که مطابق بود را می‌پذیرفتیم).

تحت این شرایط، فرزندپروری جایش را به فرزند خوانده‌شدن حیوانات می‌دهد، که در صورت ادامه‌دار شدن، خود زمینه‌ساز معضلاتی بزرگ چون: تک‌فرزندی، پیری جمعیت و بالتبع مشکلاتی در حوزه اقتصاد یا تامین سایر ساخت‌ها و زیرساخت‌های کشور خواهد شد.

از طرفی والدین برخی کودکان (مخصوصاً تک‌فرزند)، در جهت ایجاد سرگرمی برای کودک خود یا حتی آن‌که از زیر بار صرف وقت برای فرزندشان شانه خالی کنند، حیوان را به عنوان هم‌بازی فرزند خود انتخاب می‌کنند که این موضوع با شکل‌دهی عواطف بین کودک و حیوان، موجبات انتقال این فرهنگ غلط به آیندگان را فراهم می‌کند.

از طرفی از جایی که هنوز بخش بیشتر جامعه نگهداری از حیوانات را امری ناپسند برمی‌شمرند یا حتی از آن‌ها مراقبت از حیوانات چه در منزل و چه در مکان‌های عمومی موجبات برانگیختن ناراضی‌های مردم را نیز فراهم خواهد کرد.

از نظر سلامت هم امکان ایجاد مشکلات فراوان بهداشتی و انتقال بیماری‌های مشترک میان انسان و حیوانات وجود دارد و چه بسا این همزیستی منجر به ظهور بیماری‌های ناشناخته جدیدی شود که موجبات دردسر را فراهم کند.

اگرچه این موضوع تازه ظهور از جنبه فردی (سواى جداسازی شخص از فرهنگ ایرانی-اسلامی) فوایدی همچون افزایش اعتماد به نفس یا کنترل استرس را نیز داراست، لکن این‌که چه لطمه‌هایی از نظر اجتماعی دارد و چگونه می‌تواند آسیب‌زا باشد نیز پیش‌تر گفته‌شد، همین‌طور به عمق آسیب ناشی از آن نیز اشاراتی شد، بنابراین از این قضیه ادراک می‌شود که این موضوع به قدری حائز اهمیت است که لازم است حتماً تصمیماتی قاطع در این حوزه اتخاذ شود.

البته تاکنون کارهایی نامتمرکز و پراکنده صورت گرفته‌است و قوانینی نیز وضع شده‌اند، لکن رویکرد فرهنگی-اجتماعی لازم را نداشته‌اند.

البته آن‌چه پرواضح است آن است که حیطة این چنین مسائل، فراتر از صرف وضع قانون بوده و لازم است فرهنگ‌سازی‌های گسترده با برنامه مدون و هدفمند در راستای آشنا کردن و نیز پیوند زدن مردم با فرهنگ اصیل ایرانی-اسلامی تدوین شود.

در گذشته عمده استفاده از حیوانات خانگی برای دو منظور بود: منظور نخست، کمک به معیشت مردم با استفاده از حیواناتی چون: گاو، گوسفند، مرغ، اسب و... و منظور دوم، استفاده از سگ‌ها برای حفاظت در موارد مقتضی بود.

صورت دیگری از نگهداری از حیوانات که در برخی از کشورها تا حدی مرسوم بود، نگهداری حیوانات (از گربه و سگ تا تمساح و شیر) به عنوان عضوی در خانه‌ها، در نزد خانواده‌های سلطنتی بود.

به مرور رفتار انسان با حیوان، به صورت پذیرش آن به عنوان عضوی از خانواده و بخشی از سبکی نوین از زندگی در جوامع غرب، پذیرفته‌شد و در طی زمان و توسط رسانه‌ها به فرهنگ زیستی سایر کشورها راه یافت.

در کشور ما نیز به دلیل تسلط رسانه‌های خارجی، رشد سریع وسایل ارتباطی جمعی، ماهواره‌ها، تلفن‌های همراه و... و در نتیجه ایجاد امکان مبادله حجم زیادی از اطلاعات در زمان کم، امکان تبلیغ فرهنگ غرب و ترویج مدرنیسم حاصل از آن مهیا شد تا بتواند تغییراتی ساختاری را در هسته خانواده ایرانی رقم بزند.

تا آن‌جا که بخشی از فرهنگ ایرانی-اسلامی مردم ما را که تا یک دهه پیش نگهداری از سگ و گربه را، امری ناشایست می‌دانستند، آمیخته با مدرنیسم بازنمایی شده از فرهنگ غربی کرد.

در کنار موارد مذکور، مواردی چون: دلسوزی و مهربانی، سرگرمی‌سازی، تنهایی، میهمان‌دوستی امنیت اجتماعی ناشی از بی‌ثباتی اقتصادی (در نتیجه تاریک دیدن آینده فرزند خود و کاهش فرزندآوری)، چشم‌وهم‌چشمی با یکدیگر در ژست‌های اجتماعی و خلاهای عاطفی را می‌توان من جمله عوامل تاثیرگذار بر رشد این ناهمگونی فرهنگی، در جامعه امروزی دانست.

از میان این‌ها، طبق نظر تعدادی از کارشناسان، مهم‌ترین دلیل، ترس از فرزندآوری است.

این نوع ناهمخوانی‌های مدرنیسم نام، که در مثل شبیه به وصله‌ای ناجور بر لباس فرهنگ جامعه غنی ایرانی-اسلامی ماست، تاثیراتی سو بر سبک زندگی‌مان داشته‌است.

نگهداری از حیوانات در منزل به عنوان جانشینی برای فرزند، در ابتدا در میان اقشار مرفه جامعه به عنوان هنجاری از فرهنگ غربی رایج بود، لکن در طی یک دهه اخیر به لایه‌های مختلف جامعه نفوذ کرده، و در شهرهای بزرگ و کوچک گسترش یافته‌است.

نتایج این گسترش، عبور از فرهنگ غنی ایرانی-اسلامی به فرهنگی نوین است که باعث شده

سر ویس روانشناسی



نقش زنانه را تقلیل می‌دهید؟!

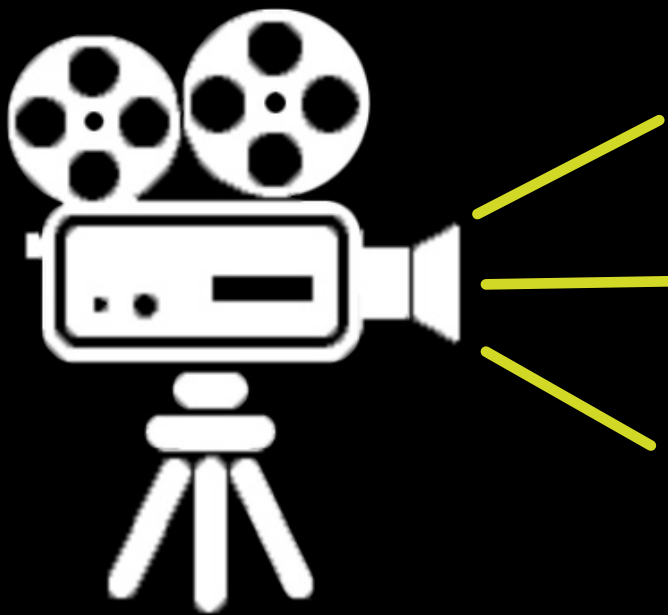
بررسی نسبت به کارگیری برخی از اصول روانشناسی با تبلیغات کالاها (کنترل ذهن مخاطب با استفاده از جذابیت های زنانه)

فاطمه کمالی خواه
کارشناسی مهندسی مکانیک

استفاده می‌شود، تکیه بر کلیشه‌های جنسیتی، به صورت استفاده از برخی ویژگی‌های انحصاری زنانه است که مخصوصا پس از وقوع انقلاب جنسی در آمریکا (و در راستای آن عادی‌سازی ارائه الگوهای اشتباه و متکی بر ویژگی‌های خاص زنانه) رخ داد؛ همان‌گونه نیز که در رابطه با قدرت تبلیغات در شکل‌دهی عناصر فرهنگی جامعه گفته شد، این نوع بازنمایی کلیشه‌های زنان، می‌تواند آثار بسیار مخربی داشته باشد؛ چراکه با ارائه الگویی تکیه‌مند بر جذابیت‌های جنسیتی زنانه، موجب تقلیل ارزش والای زن و بازتولید تفکراتی اشتباه پیرامون زن اصیل ایرانی می‌شود؛ در نتیجه در میان انبوهی از چنین دیدگاه‌هایی، آن‌چه کم‌اهمیت خواهد شد، توانایی‌ها و نقش‌های اساسی حقیقی زنانه، چه در حفظ بنیان‌های خانواده، چه در ارتقای جامعه و چه در حفظ سلامت اخلاقی جامعه خواهد بود؛ به همین علل است که وضع قوانین و مقررات

تبلیغات به عنوان بخشی از محتوای رسانه بی‌طرف نبوده، بلکه در اصل، هنر تاثیرگذاری هدف‌دار روی افراد است؛ این تاثیرگذاری در جهت انجام می‌شود که منجر به درک حس نیاز یا در مواردی نیازسازی شود تا قصد سازنده، یعنی فروش محقق شود.

با توجه به این‌که علم روانشناسی، علم مطالعه ذهنیت انسان و نیز ریشه‌یابی علل رفتارهای اوست و مخاطب تبلیغات نیز ذهن و احساس انسان است، پس می‌توان با کمک جستن از تکنیک‌هایی نشأت گرفته از علم روانشناسی، مخاطبین را نسبت به خرید یک محصول به هیجان آورد و اقناع کرد؛ در نتیجه فروش محصول را افزایش داد. اقشار مسلط جامعه با آگاهی از این موضوع، سعی در شکل‌دهی نظام



تبلیغاتی در راستای حمایت از زنان و نیز رویکرد نقادانه نسبت به آن‌ها ضروری می‌نمایند.

البته تاکنون حمایت‌هایی در قالب تدوین دستورالعمل، ضوابط و وضع یکسری قوانین صورت گرفته است؛ لکن به دلیل وجود یکسری ابهام‌ها و در مواردی هم نواقص، نیازمند بازبررسی‌هایی است. همچنین باید ضمانت‌های اجرایی لازم در نظر گرفته شود؛ البته صرف این محکم‌کاری‌های حقوقی کاری از پیش نمی‌برد و ملزم کردن سازندگان تبلیغات به رعایت از آن‌ها نیاز است؛ این امر نیز جز با نظارت و رسیدگی به تخلفات ممکن نیست.

البته تاکید ما بر اهمیت دقت نظر بر ساخت تبلیغات، صرفا به عنوان محتوایی پر بازدید است و به طور کل هر محتوای رسانه‌ای که به هر صورت به دست مخاطب می‌رسد باید همین اندازه و در مواردی بسیار بیشتر مورد توجه نهادها و قانونگذاران قرار گیرد تا کرامت و منزلت زن اصالت‌مند ایرانی - اسلامی آن‌طور که باید حفظ شود و ارتقا یابد.

تفکراتی مخاطبان برای رسیدن به مقاصد اقتصادی خود و در اغلب موارد، حتی اهدافی غیراقتصادی در ذیل مضمون اقتصادی خود دارند.

بدین ترتیب، احساسات و ذهن مخاطب، تحت تاثیر تکرار، تنوع، محتوای متنوع، موزون، تنوع رنگ‌ها، ایجاز در پیام‌ها، برش‌های سریع، جذابیت‌های بصری، برندسازی، شهرت افراد سرشناس و... قرار می‌گیرد و ناخودآگاه، فرد را مجاب به خرید محصول و در طی زمان، پذیرش بازنمایی دلخواه تبلیغات از الگوی صحیح زندگی می‌کند.

این روند تاثیرپذیری عناصر فرهنگی جامعه از تبلیغ، گرچه سریع رخ نمی‌دهد، لکن، امری اجتناب‌ناپذیر است که لزوم دقت بر محتوای ساخته‌شده تبلیغات را لازم می‌دارد؛ برای مثال، یکی از مواردی که همواره در تبلیغات برای انگیزختن احساس علاقه و هیجان در مخاطبین



در کشاکش دهر

جستاری بر چالش‌های یک خانواده ایرانی

هدیه گیاه تازه

کارشناسی آمار و کاربردها

روزانه قدرت خرید و کوس شرمندگی پدران که بلند می‌کوبد، قطعا در ذهن مردان نقش جدی دارد. البته بازهم شرایط یکسان نیست؛ برای برخی آقایان کرایه‌خانه و هزینه‌های جاری خود چالش قابل توجهی است و برای برخی امورات می‌گذرد اما عدم توانایی در پس‌انداز یا ترسیم آینده اقتصادی برای اعضا خانواده آزاردهنده است. در این میان اما ایراد بزرگی که به چشم نمی‌آید کم‌رنگ شدن نقش پدران در تربیت است. فعالیت اقتصادی کاری تمام‌وقت برای آقایان با درآمد متوسط است تا چرخ خانواده بچرخد و همین باعث کم‌رنگ شدن و در برخی حالات حذف نقش پدران در تربیت است که آثار این موضوع در آینده مشخص خواهد شد.

اما از دید مادران، مسئله ابعاد وسیع تری دارد:

گفتیم کماکان وضع اقتصادی دچار مشکلاتی است؛ اول این که باعث می‌شود امور جاری خانه سخت اداره شود و نیازمند فداکاری بیشتری از سوی زنان است و دوم این که بانوان مجبور می‌شوند به کار بیرون خانه روی بیاورند که خود این موضوع پس از جنگ جهانی دوم نیز در کشورهای اروپایی اتفاق افتاد. بزهکاری در

با توجه به پیچیدگی روز افزون شرایط جامعه در هر کشوری، پیچیدگی چالش و مسائل نیز چیزی دور از انتظار نیست و برای حل این مسائل نیز نگاهی چند بعدی و مطالعه‌ای چند جانبه نیاز است. آن چه در ادامه می‌آید، بررسی مسائل و مشکلات یک خانواده ایرانی با شرایط نرمال است که در جامعه ما زندگی می‌کنند؛ البته نه به این معنا که قصد سیاه‌نمایی وجود دارد و یک خانواده ایرانی تمامی این چالش‌ها را یک‌جا تحمل می‌کند، بلکه این یک یادداشت است که در آن تلاش شده همه جانبه به موضوع نگاه شود. ممکن است خانواده‌هایی همه این مسائل و بیشتر از آن را تحمل کنند و ممکن است یک یا دو مورد این موارد را در بدترین شرایط تجربه کنند.

شایان تذکر است مسائل یک خانواده را از دید هر عضو خانواده بررسی کردیم تا هم نگاه کلی هم نگاه جزئی را رعایت کنیم تا چیزی از قلم نیفتد.

اول پدر خانواده:

از دید اکثر پدران که غالبا سرپرست خانوار نیز محسوب می‌شوند وضع اقتصادی یک چالش محسوب می‌شود. در حقیقت کاهش



از دید دختران مسائل شکل دیگری دارند:

بحران‌های فرهنگی و هویتی بیشتر از پسران گریبان‌گیر دختران شده و راه مناسبی برای برون‌رفت از این مسائل ارابه نمی‌شود. از همه این مسائل مهم‌تر این است که فضای مجازی به بلای جان جوانان و نوجوانان تبدیل شده و کرونا و عدم نظارت والدین نیز مزید بر علت است. عدم آگاهی دختران نیز کم‌کم دارد کار دستشان می‌دهد. نگران‌کننده است که آمار استعمال دخانیات در دانشجویان بالا رفته و فکری هم نمی‌توان برایش کرد. قوام فرهنگی و چهارچوب‌های اخلاقی جامعه روزبه‌روز کمرنگ‌تر می‌شود و در نتیجه، در بلوای پاییز ۱۴۰۱ جوانان نقش پررنگی ایفا می‌کنند. تاثیرات فضای مجازی و پرت شدن در این فضا بدون این‌که سواد و ابزار برای برخورد با این فضا وجود داشته‌باشد، شبیه رها کردن انسانی در فضای سرد بدون لباس مناسب است که نتیجه‌ای جز یک سرماخوردگی شدید ندارد. احتمالاً اگر وضع اقتصادی بهتر شود، بسیاری از چالش‌های شمارش شده حل خواهد شد. دست‌کم اگر حل هم نشود بعد از حل مسائل اقتصادی حتماً می‌توان به مسائل دیگر پرداخت. حتماً می‌توان امید را در جامعه تزریق کرد و می‌توان خیلی از مسائل را سر جای خود گذاشت. اگر دقیقاً بدانیم برای نابودی اقتصاد و فرهنگ ایرانی چه تلاش‌هایی شده‌است، حتماً چاره‌ای برای ترمیم هردوی این مقوله‌ها خواهیم اندیشید.

جوانان به طور چشم‌گیری افزایش یافت که خود این ناشی از حضور کمرنگ مادران بود. چالش دیگر مادران نیز عدم فرصت کافی برای افزایش آگاهی است. البته این دلیل قانع‌کننده و کافی نیست. اما مقوله تربیت در دنیای امروز چندوجهی‌تر از زمان مادران دیروز است و همین چالش‌هایی در برخورد با فرزندان ایجاد می‌کند.

از دید فرزندان اما مسائل ابعاد دیگری دارد:

یک مشکل اساسی در دختران و پسران و ورود به دانشگاه است. آزمون ورودی به دانشگاه‌ها دشوار شده‌است و باید در مدارس خوبی درس خواند تا نتایج خوبی گرفت و هزینه‌ی این مدارس بعضاً بسیار بالاست.

نوجوانان مهارت خاصی را کامل بلد نیستند تا هم وقت آن‌ها به بطالت نگذرد هم از بزه‌کاری و این موارد مصون بمانند که این را باید نظام آموزشی چاره‌اندیشی کند. کتاب خواندن و کسب مهارت دارد به یک کار از مد افتاده تبدیل می‌شود.

از دید پسرها سربازی همچنان معضلی است که حل نشده و زمان طلایی برای پیدا کردن کار را تا حد خوبی از آقاپسرها می‌گیرد که باید برای آن فکر اساسی شود.

از دید آقاپسرهایی که از سربازی بر می‌گردند و کارشناسی را نیز پشت سر گذاشته‌اند، پیدا شدن کاری مناسب نیز چالش است. کاری که بتوان با آن مقدار خوبی پس‌انداز فراهم کرد تا بتوان زندگی مشترک تشکیل داد می‌تواند ذهن هر پسر جوانی را به خود مشغول کند.



سرویس فرهنگی۔ هنری



اول ساختار، بعد لایحه

فاطمه خلیلی یگانه
کارشناسی تاریخ

بررسی لوایح اخیر کمیسیون زنان مجلس و فرهنگ‌سازی پیرامون آن در جهت
پیاده سازی (آیا فرهنگ و پیش زمینه‌ای برای اجرای چنین قوانینی داریم یا خیر؟)

و بی‌خبر از کف خیابان، قلم بزنییم و لایحه بدهیم و صحبت کنیم، کار فرهنگ، زمین می‌ماند. صرفاً حرف زدن و نوشتن کفایت نمی‌کند. توجه بنماییم به آن چه که در مهد کودک‌های غیراسلامی، مدارس دور شده از معنویت و دانشگاه‌هایی که بعضاً رویکرد اسلام‌ستیزانه دارند. چه اتفاقی در حال رقم خوردن است؟ وقتی که بستن در دکانی که تیشرت می‌فروشد را ببندیم، خدمت را بر حجاب تمام کرده‌ایم؟ جریمه راننده‌ای که شاید تاکسی است و مسافر او شالش افتاده‌است، آن اتفاقی نیست که مطلوب بر حفظ حجاب باشد. ولو این که جریمه و تنبیه در هر جامعه‌ای وجود دارد و آن چه که قانون است، ملزم به اجراست. برخی از بندها و تبصره‌های موجود در این لوایح، آرمانی هستند. به نوعی ساختار مورد نیاز برای اجرای آن‌ها وجود ندارد. توجه به زنان به خودی خود امری تحسین‌برانگیز است ولی دست به عمل بودن در این حوزه است که تحسین واقعی را می‌طلبد. لذا امید بر آن است که لوایح صرفاً بر جنبه‌ی تنبیه و مجازات تأکید ننموده و بر تشویق و ترغیب توجه کنند. پله اول و ساختن از پایه، تأثیرگذاری تنبیه در آینده را میسر می‌سازد. نظارت بر وضعیت سلبریتی‌ها و تمرکز بر این مباحثت از پیش، شاید مانعی بر سر راه مشکلاتی که بعضاً از سوی برخی سلبریتی‌ها در دوره‌ی اغتشاشات ایجاد گشت؛ می‌گردید. دیدیم که برخی سلبریتی‌ها خود سردمدار آشوب‌ها شدند. با وجود جریمه‌های نقدی برای سلبریتی‌هایی که پول بیشتر از این جریمه‌ها را دارند، اتفاقی برای حفظ حجاب آن‌ها نمی‌افتد. لذا مسئله‌ی نظارت در مقوله‌ی حمایت از فرهنگ عفاف و حجاب، اثر اساسی تری خواهد داشت.

نگاه به مقوله‌ی حجاب و عفاف همواره در اعصار تاریخ ایران مورد توجه بوده‌است. هر دوره‌ای با توجه به اقتضای زمان، رویکردی نسبت به پوشش داشته که در دوره‌ی بعد تکامل یافته‌است. مورد مطالعه قرار گرفتن پوشش زنان نشان از اهمیت دارد ولو این که بی‌توجهی کردن و کم‌اهمیت نشان دادن آن نیز، خبر از موضوعیت داشتن این مقوله است. آن چه به عنوان نکته موجود می‌توان اشاره کرد، نوع این اهمیت دادن است. اگر مسئله‌ی حجاب و عفاف مهم است، صرفاً تأکید بر این مهم کافی نیست. شعار دادن و بیلبورد‌های کلیشه‌ای، فرهنگ را نمی‌سازد بلکه پله‌های پایین تری از فرهنگ‌سازی حساب می‌شود. لذا به یاد بیاوریم اغتشاشات سال گذشته و حربه‌ی دشمن را. مقوله‌ی حجاب را زیر علامت سوال قرار داده و ابزار حمله را معجز کردند. آتش زدن چارقد را شجاعت نشان داده و نگاه جنسیت‌زده‌ی خود را روشنفکری پنداشتند. عفاف را می‌توان بحثی کلی‌تر از حجاب دانست لیکن برای ترویج و آموزش و نهادینه کردن آن، شاید کمتر کاری را دیده‌باشیم. وزارت آموزش و پرورش از آن دست سازمان‌های حیاتی است که باید پاسخگوی مستقیم دزدگی نوجوانان از حجاب و تمسخر عفاف، باشد. در مدارس ما چقدر بر این مهم توجه می‌شود؟ قطعاً توجه وجود دارد ولی نوع این پرداختن اهمیت دارد که برای برخی مسئولین مربوطه کم‌اهمیت شمرده‌شد. لایحه‌ی حمایت از حجاب و عفاف و خانواده، جدا از ایراداتی که بر آن وارد بود، صرفاً اقدام کافی نیست. لوایح، بی‌گمان نقش بسیار تأثیرگذاری دارند لیکن لایحه نوشتن و کمیسیون تشکیل دادن بدون فرهنگ‌سازی، مسیر تأثیرگذاری را تکمیل نمی‌کند. هنگامی که پشت میز بنشینیم



ستاره‌های دنباله‌دار

نگاهی به نقش سلبریتی‌های زن در هویت‌سازی زنان جامعه

حنانه حاجی‌زاده
کارشناسی مشاوره

یک محصول یا خدمت کارایی دارند. اما به نظر می‌رسد بین سلبریتی‌ها و افراد مشهور تفاوت‌هایی قائل شویم. در واقع سلبریتی یک نوع خاص از شهرت، یعنی یک شکل بسیار منحصر به فرد و شکننده از شهرت را داراست. شهرت سلبریتی‌ها بسیار شخصیت‌محور است و عمر کوتاهی دارد و این شهرت در واقع مایه تجارت آن‌ها محسوب می‌شود. اما بر خلاف سلبریتی‌ها، افراد مشهور عموماً در تاریخ صاحب افتخار و تحولی در مسائل علمی، هنری، ورزشی و... هستند و نام و یاد آن‌ها به واسطه عملکردشان، در بلندمدت بسیار ماندگارتر است. بنابراین حیات یک سلبریتی نسبت مستقیمی با انجام اعمالی دارد که به هر شکل، کاری خرق عادت باشد، که به همین دلیل احتمال انجام اعمال خلاف عرف و یا هنجارشکنانه را توسط آنان بالا می‌برد تا بتوانند حداقل برای مدتی توجه‌ها را به سمت خود جلب کنند و سعی کنند هر چه بیشتر آن را روی خود نگه‌دارند. البته این ستاره‌ها بعد از مدتی از رسانه و بستری که باعث شهرت آن‌ها شده‌است

سلبریتی! واژه‌ای آشنا که چند سالی است بر سر زبان‌ها افتاده و با شنیدن آن، مفهوم تقریباً مشابهی به ذهن همه ما خطور می‌کند و حتی مصداق‌هایی مشخص از آن را به خاطر می‌آوریم. اما بد نیست برای رسیدن به یک تعریف واحد، نگاهی به معنای دقیق این واژه از منظر کارشناسان بیندازیم تا بتوانیم بهتر و دقیق‌تر پیرامون آن بحث کنیم. واژه سلبریتی به شخصی اطلاق می‌شود که از طریق فعالیت در صنعت سرگرمی و رسانه‌های جمعی یا فضای مجازی حضور گسترده‌ای در جامعه دارد و عرصه فعالیت آن‌ها نیز نسبت به بقیه اعضای جامعه، طیف وسیعی از اقدامات و حوزه‌های مختلف را شامل می‌شود. «کریس روجک» استاد جامعه‌شناسی دانشگاه، سلبریتی‌ها را اشخاصی معرفی می‌کند که به هواداران شان شادی و درد و رنج می‌دهند و در مقابل ستایش یا رسوایی دریافت می‌کنند. از این رو است که سلبریتی‌ها به کالاهایی قابل خرید و فروش در دنیای امروز بدل می‌شوند و به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر تبلیغات شناخته شده و برای ترویج



بعد و جامعه‌پذیر کردن آن‌ها نسبت به این فرهنگ را دارند و اگر به نحو مثبت یا منفی تحت تاثیر شخص یا جریانی باشند به‌وضوح تاثیر آن را می‌توان در فرهنگ نسل‌های بعد یک جامعه دید، پیشنهاد می‌شود که رسانه ملی سیاست‌گذاری روشنی برای تربیت، استعدادیابی و معرفی سلبریتی متناسب با سبک زندگی ایرانی-اسلامی طراحی کند و بستر سالم و مناسبی را برای معرفی، رشد و ماندگاری ستاره‌هایی که به صورت دنباله‌دار تاثیرات فرهنگی را به وجود می‌آورند، ایجاد کند.



جداشده و خودشان تبدیل به یک رسانه مستقل برای ترویج و تبلیغ انواع کالاها مثل مارک لباس و لوازم خانگی که ظاهری‌ترین لایه‌های یک سبک زندگی هستند گرفته تا نوع پوشش و تفکر و فرهنگی خاص می‌شوند.

در بحبوحه رواج مفهوم سلبریتی، مسئولین فرهنگی تصمیم گرفتند این زمین بازی را به نفع خود تغییر دهند. آن‌ها تلاش کردند تا با استفاده از این چهره‌ها در برنامه‌های خود، شهرت آن‌ها را در جهت اهداف مثبت فرهنگی به کار گیرند، غافل از آن‌که سلبریتی همچون کارگری است که مزد می‌گیرد و برای کارفرمای خود کار می‌کند و می‌شود آن را برای ساعتی خرید تا در کارهای سفارشی ما بازی کند، در حالی که کوچک‌ترین عقیده‌ای به آن ندارد و حتی مدتی بعد آن را انکار کند! در حقیقت سلبریتی با کار



کردن برای یک شخص یا گروه، دلبسته او نمی‌شود و نمی‌توان کار کردن او برای یک مجموعه را لزوماً نشان از اعتقاد خاص یا تعهد او دانست، زیرا ممکن است او فردا با دشمن شما قرارداد ببندد و این درآمد است که مسیر کاری آن‌ها را تعیین می‌کند. پس مشکل با این کار حل نمی‌شود و تا وقتی این بستر کماکان انسان‌هایی غرب‌گرا و بی‌اعتقاد به آرمان‌های انقلاب و بی‌علاقه به مذهب تولید می‌کند، و آن‌ها مدام فرهنگ‌شان را بازتولید می‌کنند و محیط کلی سینما به این شکل است، توقعی جز وضعیت فعلی را هم نمی‌توان از آن داشت.

به این دلیل که هر کنش کوچک سلبریتی‌ها بر سبک زندگی عموم مردم تاثیرگذار است، و از آنجایی که زنان هر جامعه اصلی‌ترین نقش را در انتقال فرهنگ به نسل



سرویس فیزیولوژی

امید به زندگی

نرگس خطیب دماوندی
کارشناسی زیست گیاهی

زندگی نمی‌کنند. در کشورهای توسعه‌یافته، احتمال زنده ماندن مردها نسبت به زنان تا دهه ۱۹۷۰ کاهش یافت و پس از آن به تدریج در همه جمعیت‌ها افزایش یافت. افزایش و کاهش تفاوت‌های جنسی در امید به زندگی عمدتاً به سیگار و سایر تفاوت‌های رفتاری نسبت داده می‌شود. به گفته محققان، احتمال عمر طولانی‌تر مردان نسبت به زنان عموماً در کشورهای با درآمد پایین و متوسط بیشتر است، اما این لزوماً به معنای برابری جنسیتی بیشتر در بقا نیست. به طور کلی بیماری‌ها و مرگ‌ومیر در جنس مرد بیشتر از زن است، برای نمونه در پسران زیر ۵ سال میزان میرایی ۱۱ درصد بیشتر از دختران بوده‌است؛ کوتاه‌قدی و لاغری، اضافه وزن و عفونت ایدز در مردان بیشتر از زنان است؛ همچنین بیماری سل در مردان نیز ۲ برابر بیشتر از زنان است. اگر به سنین ۳۰ تا ۷۰ سال نگاه کنیم، در بیماری‌های غیر مزمن احتمال مرگ در مردان ۱.۵ برابر بیشتر از زنان است؛ ضمن اینکه خودکشی در مردان حدود ۲ برابر، مرگ در تصادفات جاده‌ای ۲ برابر و قتل و دگرگشتی ۴ برابر در مردان بیشتر از زنان است. مرگ ناشی از آلودگی هوا نیز در مردان بیشتر بوده و ۱.۳ تا ۱.۵ است. همچنین امید به زندگی در مردان کمتر از زنان است. سال‌های از دست‌رفته سلامتی که فرد نمی‌تواند فعالیتی داشته‌باشد در مردان بیشتر است. باتوجه به آن‌چه پیشتر به آن پرداخته‌شد، میزان طول عمر زنان از مردان بیشتر بوده، و سیاست‌هایی در برخی کشورها از جمله ایران با عنوان سلامت مردان دنبال می‌شود، نظام سلامت و وزارت بهداشت موظف است تا با در نظر گرفتن تسهیلات و امکانات لازم و مساوی در نقاط مختلف کشور، سطح سلامت مردان را ارتقا داده و از آسیب دیدن سلامت جسمی و روانی مردان جلوگیری کند تا بتوان خانواده و جامعه سالمی را داشته‌باشیم.

یکی از بحث‌هایی که شاید اغلب در بین مردم جامعه رواج دارد پرداختن به مسئله طول عمر زنان و مردان است. به طور کلی اعتقاد بر این است که میزان امید به زندگی زنان از مردان بیشتر است. گرچه از نظر علمی مردان بنیه و قدرت بدنی بالاتری دارند اما تحقیقات نشان داده بین عموم مردم شایع است که امید به زندگی زنان، حتی در زمان بیماری‌های همه‌گیر و قحطی ۵ سال بیشتر از مردان است. برخی از اساتید علم روان‌شناسی برتری تاریخی امید به زندگی زنان را به طبیعت بدن خانم‌ها نسبت می‌دهند که ناشی از آن دسته از تغییرات جسمی است که به صورت طبیعی در دوران بارداری، زایمان و شیردهی رخ می‌دهد. چالش‌هایی که بدن مرد با آن مواجه نیست.

برای فهم این موضوع که چرا روند پیری در زنان کندتر از مردان است نیز پژوهشگران به روند و میزان پیر شدن سلول‌ها توجه کرده و دریافته‌اند یکی از تفاوت‌های زیستی بین زنان و مردان که از بدو تولد در ساختار جسمانی آن‌ها دیده می‌شود، تفاوت در طول و اندازه تلومرهای آن‌ها است. درواقع زنان دارای تلومرهای بلندتری بوده و از مدت‌ها پیش دانشمندان کشف کرده بودند که تلومرها در تعیین طول عمر و میزان سلامت افراد نقش مهمی ایفا می‌کنند. داشتن تلومرهای بلندتر در بدن، موجب کاهش خطر بیماری‌های قلبی شده و در بسیاری از نمونه‌های مطالعه شده، منجر به افزایش طول عمر زنان و مردان می‌شود.

تجزیه و تحلیل داده‌های به جای مانده از سال ۱۸۵۰ نشان داده‌است که احتمال زنده ماندن مردها نسبت به زن‌ها، در تمام مقاطع زمانی و در بین تمام جمعیت‌ها، بین ۲۵ تا ۵۰ درصد بوده‌است. به عبارت دیگر، داده‌ها نشان می‌دهد که بین ۱ تا ۲ (۶۰٪ - ۷۵٪) از هر ۴ مرد در ۲۰۰ سال گذشته بیشتر از زنان زندگی کرده‌اند، که این حقیقت را به چالش می‌کشد که مردان به سادگی به اندازه زنان



سروريس فقهي۔ حقوقى

عروسک خیمه شب بازی

سازمان‌های بین‌المللی در قبال نقض حق کرامت انسانی و آزادی زنان، چه موضعی اتخاذ کرده‌اند؟

الهام آقابائی

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه تهران

سازمان ضدبرده‌داری

گریس فارست بنیان‌گذار سازمان ضدبرده‌داری «واک فری» در نشست خبری سازمان ملل متحد گفت: این آمار به این معناست که امروزه از هر ۱۳۰ دختر و زن، یک نفر در بردگی زندگی می‌کند که بیشتر از کل جمعیت استرالیاست. فارست افزود: واقعیت این است که شمار انسان‌هایی که اکنون در بردگی زندگی می‌کنند، بیش از هر زمان در تاریخ بشر است. تعریف سازمان واک فری از برده‌داری نوین، از بین بردن سازماندهی‌شده آزادی شخصی و بهره‌کشی از یک شخص توسط فرد دیگری برای سود شخصی و مالی است.

به گفته وی، ارزیابی شمار زنان اسیر برده‌داری نوین جهان در گزارش واک فری با عنوان «نابرابری‌های جمع‌شده»، که براساس آمار سازمان بین‌المللی کار و سازمان بین‌المللی مهاجرت وابسته به سازمان ملل متحد صورت گرفته، نشان داده‌است که جنسیت موجب جمع شدن نابرابری‌ها در سراسر زندگی دختران شده‌است.

این گزارش حاکی‌ست که ۹۹ درصد همه قربانیان بهره‌کشی جنسی اجباری، ۸۴ درصد همه قربانیان ازدواج اجباری و ۵۸ درصد همه قربانیان کار اجباری، زن هستند. به گفته فارست، چهره برده‌داری نوین کاملاً

سازمان بین‌المللی سازمانی است که تابعان آن دولت‌ها هستند و بر اساس معاهده بین دولت‌ها به وجود می‌آید. اما صرف وجود عهدنامه بین دولت‌ها سازمان بین‌المللی را تشکیل نمی‌دهد. سازمان‌های بین‌المللی شخصیت حقوقی دارند و می‌توانند با دولت‌ها و یا سازمان‌های دیگر طرف قرارداد قرار بگیرند. هرکدام از سازمان‌های بین‌المللی، براساس موضوع خاصی تشکیل شده‌اند. مهم‌ترین و مشهورترین سازمان بین‌المللی سازمان ملل متحد است که ۱۹۲ دولت عضو آن می‌باشند. این سازمان برای حفظ صلح و امنیت جهانی، گسترش روابط دوستانه میان کشورها و رسیدن به همکاری و هماهنگی در عملکرد ملت‌ها است. مقر آن در نیویورک می‌باشد و در لاهه، ژنو، وین و نایروبی دفاتر رسمی دارد. پیگیری مسائل حقوق بشر دلیل اصلی ایجاد سازمان ملل بوده و هست. هدف اولیه نیز ایجاد یک چارچوب قانونی برای بررسی و عملکرد مناسب بر اساس شکایات در مورد تخطی از حقوق بشر بود. منشور ملل متحد تمام اعضای سازمان ملل را ملزم به احترام و رعایت حقوق بشر می‌نماید و همه را موظف می‌داند تا برای رسیدن به این هدف تلاش کنند. در ادامه به عملکرد این سازمان و سازمان ضدبرده‌داری در خصوص نقض کرامت انسانی و حق آزادی زنان و دختران می‌پردازیم.



زنان و دختران ۹۴ درصد از قربانیان قاچاق جنسی و ۳۵ درصد از قربانیان قاچاق نیروی کار را تشکیل می‌دهند. قاچاقچیان قربانیان خود را بیشتر از کشورهای در حال توسعه که در آن فقر شایع است با زور یا اغوا به چنگ می‌آورند. بیشتر این قربانیان جوان بوده و بین ۸ تا ۱۸ سال سن دارند اما بعضی از آنان تنها چهار تا پنج سال سن دارند که نام افغانستان بیشترین قربانیان ثبت شده قاچاق زنان را داراست و اما مقصد نهایی بیشترین قربانیان قاچاق زن، آمریکا و کشورهای اروپای غربی از جمله ایتالیا، آلمان، فرانسه و انگلیس است.

دبیر کل سازمان ملل متحد، در روز جهانی برده‌داری پیامی ابلاغ کرد: ((اعتراضات جهانی امسال علیه نژادپرستی نظام‌مند توجه جدیدی را به میراث بی‌عدالتی‌ها در سراسر جهان جلب کرده‌است که ریشه در تاریخ استعمار و برده‌داری دارد. برده‌داری امروز خود را از طریق برده‌داری مبتنی بر نژاد، کار اجباری، کار کودکان، کار اجباری خانگی، ازدواج اجباری، بردگی در ازای بدهی، قاچاق انسان به منظور استثمار، از

تغییر کرده و واک فری و برنامه «همه زنان، همه کودکان» سازمان ملل متحد، کارزاری جهانی به منظور اقدام برای نابودی برده‌داری نوین و پایان ازدواج کودکان و ازدواج اجباری به راه انداخته‌اند که تاکنون در ۱۳۶ کشور جرم‌انگاری شده‌است.

سازمان ملل متحد

گزارش‌ها نشان می‌دهد زنان و دختران بیشترین سهم را در برده‌داری نوین این دارند، به گونه‌ای که گزارش شده‌است حدود ۵۵ درصد از کل برده‌ها را در جهان زنان تشکیل می‌دهند و از این میزان بسیاری از آن‌ها آزار و اذیت‌های شدید جنسی دیده‌اند. زنان و دختران اصلی‌ترین افرادی هستند که در باندهای مخوف قاچاق انسان به دام می‌افتند. این‌ها بردگان عصر نوین و هزاره سوم هستند که سرنوشتی شوم در انتظارشان است. بردگی جنسی و کار اجباری سرنوشت نهایی قربانیان قاچاق انسان است. اداره مواد مخدر و جرم سازمان ملل در آخرین گزارش خود در دسامبر ۲۰۱۸ میلادی از سهم سه‌چهارمی زنان و دختران در میان قربانیان قاچاق انسان خبر داد.



جمله استعمار جنسی و بهره‌گیری اجباری کودکان در درگیری‌های مسلحانه آشکار می‌کند. گروه‌های فقیر و حاشیه‌نشین، به‌ویژه اقلیت‌های نژادی و قومی، مردمان بومی و مهاجران، به‌طور نامتناسبی تحت تأثیر اشکال معاصر برده‌داری قرار می‌گیرند. امروز، اینجانب از کشورهای عضو، جامعه مدنی و بخش خصوصی می‌خواهم که تلاش‌های مشترکشان را برای پایان دادن به این اقدامات نفرت‌انگیز تقویت کنند. اینجانب همچنین خواستار حمایت برای شناسایی، حفاظت و توانمندسازی قربانیان و بازماندگان، از جمله از طریق کمک در صندوق سپرده داوطلبانه سازمان ملل متحد در مورد اشکال معاصر بردگی هستم. سال آینده بیستمین سالگرد «اعلامیه و برنامه اقدام دوربان» است که توسط کنفرانس جهانی مبارزه با نژادپرستی و تبعیض نژادی تصویب شده‌است. این سند مهم برده‌داری و رویه‌های شبیه به برده‌داری را نقض آشکار حقوق بشر تعریف می‌کند. نمی‌توانیم این نقض‌ها را در قرن بیست و یکم قبول کنیم)).





آزادی به سبک غربی

دولت‌های غربی، که دم از حقوق بشر می‌زنند، آیا به زنان و دختران مسلمان، اجازه رعایت حجاب را می‌دهند؟

الهام آقابابائی

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه تهران

تعیین می‌شود اما بنابر توصیه وزارت کشور بریتانیا، که محدودیت در حق ابراز مذهب توجیه‌ناپذیر تلقی می‌شود، به‌طور کلی، می‌توان گفت که دانش‌آموزان مسلمان ممنوعیتی از حیث پوشش ندارند و می‌توانند محدودیت‌ها را به‌صورت جزئی به چالش بکشند.

اسپانیا

در اسپانیا، هیچ قانونی در رابطه با استفاده از حجاب اسلامی دانش‌آموزان و دانشجویان دختر در کلاس‌های درس وجود ندارد و هر منطقه می‌تواند در این رابطه اتخاذ تصمیم کند. به همین دلیل پوشش‌های خاص در برخی از مدارس ممنوع و در برخی دیگر، مجاز است.

آلمان

از سال ۲۰۱۵، هر یک از ایالات آلمان، اجازه دارند به‌صورت مستقل درباره مسئله حجاب تصمیم‌گیری کنند. برخی ایالات آن را منع و برخی دیگر نیز با وضع محدودیت‌های خاص، مانند معلوم بودن صورت

حقوق بشر، مجموعه‌ای از حقوق هستند که هر انسانی، به واسطه‌ی انسان بودن، باید از آن‌ها بهره‌مند باشد. یکی از این حقوق، حق انتخاب نوع پوشش است. همه‌ی ادیان الهی بر لزوم رعایت حجاب، تاکید دارند. به عنوان مثال، در تورات، مقرر شده‌است که زنان باید صورت خود را نیز بپوشانند به گونه‌ای که فقط چشمانشان مشخص باشد. همچنین در اناجیل چهارگانه، بر لزوم رعایت حجاب توسط زنان برای مصون ماندن آن‌ها از تعرض، تاکید شده‌است. اسلام نیز زنان و مردان را به رعایت پوشش مناسب امر کرده‌است. ادیان الهی، حق انتخاب پوشش را به رسمیت شناخته‌اند اما برای آن محدودیتی قائل شده‌اند و آن، این است که پوشش باعث تحریک و جلب توجه جنس مخالف نشود. برخی از کشورهای اروپایی، برای پوشش مسلمانان، مقرراتی وضع کرده‌اند که در ادامه به آنها می‌پردازیم.

انگلستان

در این کشور، سیاست پوشش توسط هر مدرسه



و نداشتن نقاب، مجاز دانسته‌اند.

سوئد

در اواخر سال ۲۰۲۲، دادگاه عالی سوئد با صدور حکمی اعلام کرد که هیچ راه قانونی برای مقامات محلی جهت اعمال محدودیت روسری و لباس‌های مشابه آن وجود ندارد و قوانین موجود در زمینه‌ی آزادی بیان، برای ابراز وابستگی‌های مذهبی خود را تضمین می‌کند. پارلمان سوئد نیز، بارها پیشنهادات و لوایح مربوط به منع حجاب را رد کرده‌است؛ زیرا کمیسیون قانون اساسی، هیچ دلیل موجهی برای وضع قانون جدید به منظور منع حجاب در جامعه در برخی از فعالیت‌ها را پیدا نکرده‌است.

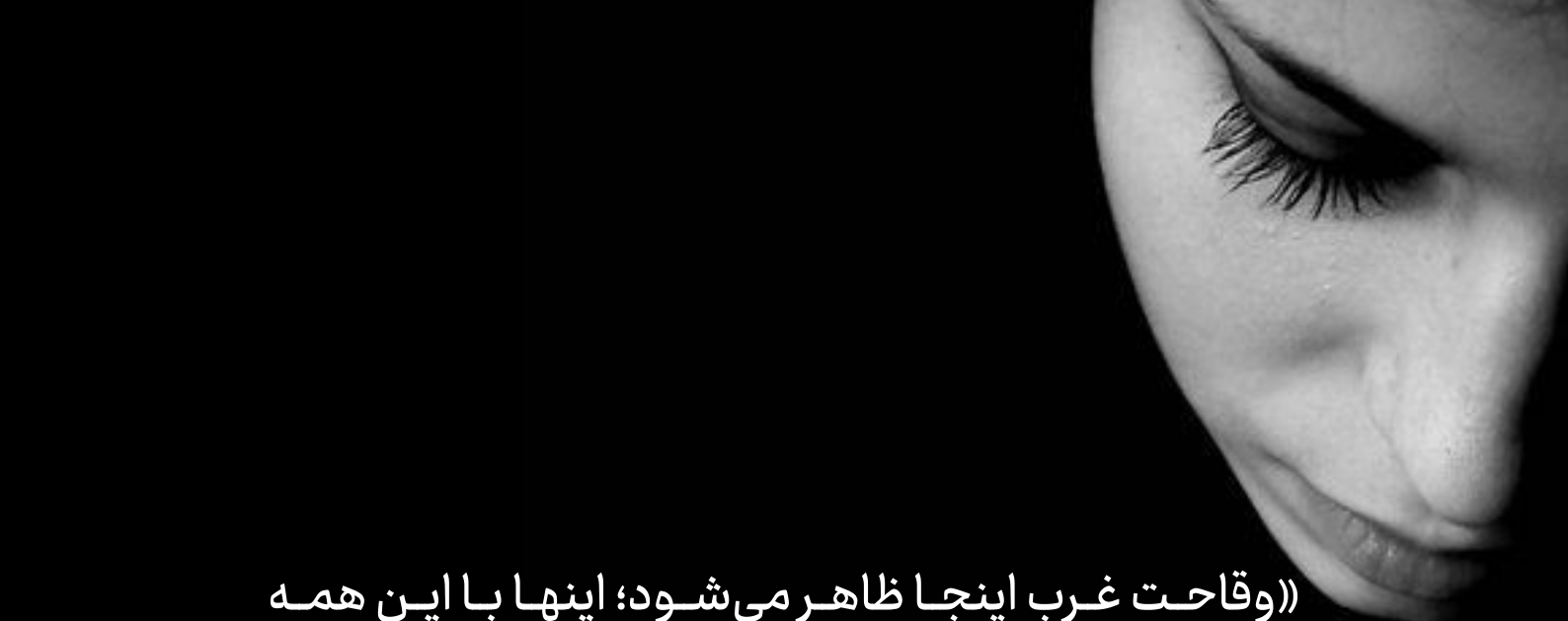
فرانسه

فرانسه یکی از کشورهای لاییک می‌باشد که هیچ دین و مذهب رسمی ندارد و دین و حکومت در این کشور کاملاً جدا از هم تعریف شده‌اند. اما مردم کشور فرانسه در انتخاب دین و مذهب خود کاملاً آزاد هستند. با وجود این‌که فرانسه از نظر دین و مذهب یک کشور کاملاً آزاد است، اما قوانین کمی عجیب و سخت‌گیرانه‌ای در خصوص حجاب و پوشش مردم فرانسه وجود دارد. در سال ۲۰۱۰ دولت فرانسه رسماً قانونی را تصویب کرد که بر اساس آن، حجاب در مراکز دولتی و آموزشی فرانسه ممنوع شد. در واقع

براساس قانون رسمی کشور فرانسه، حضور یافتن در مکان‌های دولتی و مدارس و دانشگاه‌ها به همراه هرگونه نشان یا پوشش مذهبی ممنوع است. البته در مشاغل و مراکز خصوصی می‌توان از این قانون اجتناب کرد. در شهرهای مختلف این کشور، مردم آزادند که با حجاب یا بدون حجاب ظاهر شوند. اما برخی از پوشش‌های مذهبی مثل برقع و روبند که کل صورت را می‌پوشانند در خیابان‌ها ممنوع هستند. چراکه این نوع پوشش‌ها مانع از شناسایی فرد خواهند شد و کسانی که با این پوشش در خیابان‌های فرانسه ظاهر شوند، جریمه می‌شوند. در طی این ماه (سپتامبر ۲۰۲۳)، دولت فرانسه پوشش عبا را برای دانش‌آموزان دختر ممنوع اعلام کرد. دلیل این ممنوعیت، لزوم رعایت اصول منتسب به لائیسیته در این کشور اعلام شده‌است.

همان‌طور که دیدیم، کشورهای اروپایی در خصوص حجاب، قوانین یکپارچه‌ای ندارند و هریک از ایالات آن‌ها، در این خصوص، قانون خاصی وضع کرده‌است. اما این‌که دولت فرانسه، به‌طور علنی رعایت حجاب در اماکن عمومی را منع کرده‌است، خود سلب حق انتخاب پوشش به شمار می‌رود.





«وقاحت غرب اینجا ظاهر می‌شود؛ اینها با این همه
ضربه‌ای که به زن و به حیثیت زن و به کرامت زن وارد
آورده‌اند، خودشان را پرچم‌دار حقوق زن وانمود می‌کنند!
یعنی اینها از [قضیه‌ی] حقوق زن در دنیا دارند استفاده
می‌کنند؛ ...اینکه می‌گویند آزادی زن، مرادشان آزادی به
این معنا است؛ [در نظرشان] اینها آزادی است؛ [اینها]
که آزادی نیست؛ عین اسارت است، عین اهانت است.»
بیانات رهبر انقلاب در دیدار اقشار مختلف بانوان

|۱۴۰۱/۱۰/۱۴|

حوا

